

شما نمک جهانید (متی ۵: ۱۳-۱۶)

مطالعه انجیل پادشاهی خدا را از متی ۵: ۱۳-۱۶ تحت عنوان شما نمک جهانید، پی می گیریم.

از مقدمه موعظه سرکوه عیسی مسیح، که معرفی ۸ ویژگی از شهروندان ملکوت خداست، گفتیم که عیسی مسیح کاملاً روشن کرد که، ملکوت آسمان جای آدمهای مال پرست، خوش گذران، مغرور، بی بندوبار، سنگدل، خودمحور و راحت طلب نیست بلکه، درست برعکس، او فرمود که ویژگی شهروندان پادشاهی خدا از جمله، مسکینان در روح، ماتمیان، حلیمان، گرسنگان و تشنگان عدالت، رحم کنندگان، پاکدلان، صلح کنندگان و زحمتکشان برای عدالت است.

عیسی مسیح پس از این مقدمه شگفت انگیز، چنین می فرماید:

متی ۵: ۱۳-۱۶ شما نمک جهانید! لیکن اگر نمک فاسد گردد، به کدام چیز باز نمکین شود؟ دیگر مصرفی ندارد جز آنکه بیرون افکنده، پایمال مردم شود. شما نور عالمید. شهری که بر کوهی بنا شود، نتوان پنهان کرد. و چراغ را نمی افروزند تا آن را زیر پیمانه نهند، بلکه تا بر چراغان گذارند؛ آنگاه به همه کسانی که در خانه باشند، روشنایی می بخشد. همچنین بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده، پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند. (ترجمه کلاسیک)

این ۴ آیه، با دو تشبیه نمک و نور، تصویری از آنچه یک مسیحی واقعی باید در این دنیا باشد و عمل کند، به ما داده شده.

بعبارتی، عیسی مسیح در این چند آیه، به تأییراتی که مسیحیان با شخصیت و رفتار خود، بر غیر مسیحیان می گذارند، اشاره دارد. به قول یکی از فیلسوفان،

انسان یک جزیره تنها در این دنیا نیست.

بنابراین خواه نا خواه حضور ما در کنار دیگران تأثیرگذار خواهد بود.

مسیح در این بخش از موعظه سرکوه، دارد به مخاطبینش می گوید، شما پسران و دختران خدا، که ویژگی درونی و برونی خوشحالها دریافت کردید، اکنون نمک جهان و نور عالمید و زمان آن رسیده که دنیا را تحت تأثیر خود قرار دهید.

بعبارتی، خدا دارد از ما دعوت می کند تا بر دنیایی که در آن زندگی می کنیم، تأثیرگذار باشیم.

البته این کار نه تنها آسان نیست بلکه از خیلی جهات غیرممکن به نظر می رسد.

عیسی مسیح وقتی برای شاگردان و پیروانش در باغ جتسیمانی دعا می کرد به پدر آسمانی گفت که :

یوحنا ۱۷: ۱۵-۱۶ به درگاه تو دعا می کنم، نه برای اینکه آنان را از جهان ببری بلکه تا آنان را از شرارت و شیطان محافظت فرمایی. ایشان از جهان نیستند. (ترجمه مزده)

سپس در آیه ۱۸ ادامه می دهد که:

یوحنا ۱۷: ۱۸ همچنان که مرا در جهان فرستادی، من نیز ایشان را در جهان فرستادم. (ترجمه مزده)

آنگاه در رساله اول یوحنا به مسیحیان سفارش شده که:

اول یوحنا ۱۵:۲ دنیا را و آنچه در دنیاست دوست مدارید ... (ترجمه مزده)

بعبارتی دعوت عیسی مسیح از مسیحیان این است که در دنیا باشید اما از دنیا نباشید،

شما را به دنیا می فرستم اما دنیا را دوست مدارید.

این بیانات متناقض بنظر می رسند.

سوالی که پیش می آید این است که، پس اگر قرار باشد که در دنیا باشیم ولی از دنیا نباشیم و به دنیا برویم ولی دنیا را دوست نداشته باشیم، چطور می توانیم تاثیر گذار باشیم؟

پاسخ این سوال را می توانیم در متن امروزمان، متی ۱۳:۵-۱۶، تحت عنوان نمک و نور باشید، یافت. چون نمک برای اینکه بتواند بر مواد تاثیر بگذارد باید بدون یکی شدن، با آنها مخلوط شود. نور نیز، گر چه ذاتاً با تاریکی تفاوت دارد، اما برای از بین بردن تاریکی فقط کافیست که بر اشیاء بتابد.

فراموش نکنید که عیسی مسیح در مقدمه موعظه سر کوه، یعنی ۱۲ آیه اول، شخصیت یک مسیحی را تعریف می کند و می گوید که آنها بر فقر روحانی خود آگاهند، برای گناهانشان ماتم گرفته اند، گرسنه و تشنه زندگی تازه در عدالت خدا هستند و با دلی پر از رحمت به دیگران خدمت می کنند.

این اشخاص، در نهایت با دلی پاک از آلودگی های این دنیا، در خدمت بشارت ملکوت خدا هستند و حاضرند در این راه هر زحمت و بهایی بپردازند.

بنابراین، فقط این گونه افراد قادرند تا مثل نمک و نور در این دنیا تاثیرگذار باشند.

بعبارتی کسانی که با معیار خوشبهاها زندگی می کنند، نمک جهان و نور عالمند و خطاب به آنها هشدار می دهد که مبادا خاصیت نمک و نور بودن را از دست بدهند.

نکته اصلی در اینجاست که یک مسیحی باید مطابق با معیار و استاندارد خدا بر دنیا تاثیر گذار باشد.

پطرس در رساله اش در این رابطه چنین می گوید:

اول پطرس ۹:۲ شما برگزیدگان خدا، و کاهنان پادشاه مان عیسی، و قوم مقدس و خاص خدا می باشید، تا به این ترتیب به دیگران نشان دهید که خدا چگونه شما را از تاریکی به نور عجیب خود دعوت نموده است. (ترجمه تفسیری)

مطابق با این آیه، دلیل اینکه چرا خدا ما مسیحیان را آنچه هستیم ساخته، این است که به دیگران، یعنی غیر مسیحیان نشان دهیم که خدا چگونه ما را عوض کرده است.

بعبارتی خدا ما را وسیله ای برای نمایان کردن و آشکار ساختن فضائل خود قرار داده است.

وقتی از مارتین لوتر خواستند که ایرادات و اعتراضاتی که از کلیسای کاتولیک روم کرده بود، پس بگیرد، او در حضور همه اعتراف کرد که امکان ندارد حقایق را انکار کند. درست مثل این می ماند که از خورشید بخواهند که نور ندهد.

بعبارتی خاصیت نمک و نور بودن در ذات یک مسیحی نهفته است. هیچکس قادر به از بین بردن آن نیست.

از این سخنان مسیح می توان نتیجه گرفت که روی سخن مسیح در موعظه سر کوه، فقط با ایماندارانش است. دلیل این موضوع این است که اگر ایمانداران عکس العمل درستی از این موعظه داشته باشند، آنگاه سایرین که جانهای گم شده می باشند را، بسوی مسیح جذب خواهند کرد.

مسیح بتوسط این پیام، مسیحیان واقعی یا شاگردانش را نزد مردم جهان می فرستد.

او شاگردانش را مثل چریک، سرباز یا مامورین مخفی به جهان اعزام نمی کند.

روش خدا در بشارت ملکوت خدا هیچگاه این گونه نبوده. او علناً پیروانش را نزد مردم می فرستد تا مثل نمک و نور بر دنیا تاثیرگذارند.

مسیح فرمود که فقط ما مسیحیان در جهان نمک و نور می باشیم.

دنیا نمک و نور دیگری ندارد.

چهار حقیقت بزرگ

در بررسی این چهار آیه، یعنی آیات ۱۳ الی ۱۶ می خواهیم به چهار نکته جالب که آنها را چهار حقیقت بزرگ نامیده ام، اشاره کنم. چهار حقیقت بزرگ که مفهوم نمک و نور بودن را آشکار می کنند، از این قرارند.

(۱) پیش فرض ها

(۲) طرح و نقشه خدا

(۳) مشکل

(۴) هدف

ابتدا نگاهی به اولین حقیقت بزرگ "تحت عنوان پیش فرض ها" بیاندازیم.

(۱) پیش فرض ها

در متن متی ۵: ۱۳-۱۶ دو پیش فرض وجود دارد.

اول اینکه: دنیا آلوده است برای همین هم نیاز به نمک دارد

دومین پیش فرض اینکه: دنیا تاریک است و به همین دلیل نیاز به نور دارد

آقای G. Campbell Morgan یکی از مفسرین کتاب مقدس می گوید،

هنگامیکه عیسی مسیح این سخنان باشکوه را برای آن جمعیت انبوه موعظه می کرد، با نگاه به آنها، فساد و از هم گسیختگی زندگی شان را می دید.

مسیح تباهی آنها را می دید و بخاطر محبتی که به آنها داشت می دانست نیاز به نمک دارند تا بتوانند در برابر فساد و تباهی جامعه در امان باشند.

علاوه بر این، مسیح آنها را در تیرگی و تاریکی غلیظ می دید و می دانست محتاج به نور هستند.

او با موعظه سر کوه به مردم نوید می دهد که من برای شما نمک و نور به ارمغان آورده ام.

شما می توانید در این دنیای فاسد و تاریک، از پیروان من نمک برای محافظت از فساد، و نور برای روشنایی دریافت کنید.

حقیقت این است که دنیای ما هر چه می گذرد در فساد و تاریکی بیشتر فرو می رود. پیشرفت و توسعه انسان باعث ساختن صلاح ها و جنگ افزارهای هسته ای شده.

مردم دنیا با ترس اینکه مبادا یک شخص دیوانه در یک گوشه از دنیا انگشتش را اشتباهاً بر روی دکمه قرمز فشار ندهد، زندگی می کنند.

هر بار که اخبار را گوش می دهیم می شنویم که در یک نقطه از دنیا جنگ در گرفته و یا بمبی منفجر شده و عده ای را کشته است.

باید اعتراف کرد که امروزه مردم دنیا، بیش از هر زمان نیاز به نور و نمک دارند.

پس اولین حقیقت در رابطه با نمک و نور، این است که دنیا فاسد و تاریک است می باشد.

حال بپردازیم به دومین حقیقت بزرگ که نقشه خداست.

۲) نقشه خدا

خدا طرح و نقشه ای دارد و آن حاکمیت شاگردان یا پیروانش است.

همانطور که در اول پطرس ۹:۲ خواندیم خدا مقرر نموده تا برگزیدگانش در این جهان مثل کاهنان، پادشاهان، قوم مقدس و خاص برای مسیح در این دنیا فاسد و تاریک خدمت کنند.

تاسف آور است که بعضی از کلیساها به این حقیقت بزرگ را نادیده می گیرند و درست برعکس بجای اینکه بر دنیا تاثیرگذار باشند، دنیا بر آنها تاثیر گذاشته است، بطوریکه فساد در زندگی شان رخنه کرده و در تاریکی زندگی می کنند.

وقتی عیسی مسیح می گوید که شما نمک این جهان و نور عالمید و بگذارید که نور شما بر مردم بتابد، بعبارتی دارد مسئولیت نمکین ساختن و تابیدن را به ما مسیحیان واگذار می کند.

این ما هستیم که باید بخواهیم از زندگی تازه ای که مسیح به ما بخشیده برای خدمت به او استفاده کنیم.

نکته جالب دیگری که در این آیات می توان به آن اشاره کرد استفاده از ضمیر جمع است.

عیسی مسیح خطاب به همه مسیحیان فرمود که شما نمک جهان و نور عالمید.

دلیل این مطلب این است که وقتی شما نمکدان را بر میدارید تا غذایان را نمکین کنید هیچ گاه از نمک دان فقط یک دانه نمک روی غذایان نمی ریزید چون یک دانه به تنهایی قادر به تاثیر زیادی نیست همین مسئله در مورد نور صادق است اگر قرار باشد ما به دنیا نور بتابانیم باید همه ما بتابیم تا نور عظیمی را تشکیل بدهیم.

بنابراین خدا از کلیسا به شکل دسته جمعی این دعوت را بعمل می آورد تا در مشارکت با یگدیگر این ماموریت را انجام بدهیم. پس

منظور از عبارت "شما"، کلیساست، یعنی جماعت مقدسین.

عیسی مسیح در انجیل یوحنا بارها خود را نور عالم معرفی کرده. الان با این گفته، به کلیسا ماموریت می دهد تا نور او را که کلام خدا می گوید آن نور حقیقی، را در جهان بتاباند.

توجه داشته باشید که مسیح از ما نمی خواهد که نمک یا نور باشیم، بلکه می گوید که شما نور و نمک هستید.

او می خواهد که وظیفه مان را نسبت به آنچه هستیم بدانیم و انجام بدهیم.

افسیان ۸:۵ شما زمانی تاریکی بودید، اما اکنون در خداوند نور هستید. پس همچون فرزندان نور رفتار کنید. (ترجمه هزاره نو)

حال ممکن است بپرسید که منظور از نور چیست؟

نور در کلام خدا به مفهوم حقیقت و زندگی در خداوند است.

کلام خدا بما این اطمینان را می دهد که با ایمان به عیسی مسیح دیگر در تاریکی زندگی نخواهیم کرد.

مزمور ۱۰۵:۱۱۹ کلام تو چراغ راهنمای من است؛ نوری است که راه را پیش پام روشن می سازد! (ترجمه تفسیری)

فیلیپیان ۱۶-۱۵:۲ شما باید در این دنیای فاسد که پر از افراد نادرست و ناخلف است، همچون فرزندان خدا، پاک و بی لکه باشید و در میان ایشان مانند نور بدرخشید، و کلام حیات بخش خدا را به ایشان برسانید. (ترجمه تفسیری)

از طرفی کلام خدا می گوید که ما همچون نمک مردم را از فاسد شدن محافظت می کنیم و از طرف دیگر می گوید که نوری هستیم که حقایق کلام خدا را برایشان آشکار می کنیم. پس می توان نتیجه گرفت که ما مسیحیان دو تاثیر منفی و مثبت، یعنی تاثیر نگاهدارنده و آشکار کننده، در زندگی مردم داریم.

نکته دیگر اینکه هم نمک و هم نور از بالا می آیند، یعنی نمک از بالا پاشیده می شود و نور نیز از بالا تابیده می شود. پس تاثیر ما ایمانداران نیز از بالا می آید، چون ما از آسمانیم نه از این دنیا.

پس طرح و نقشه خدا این است که ما مسیحیان، در این دنیای تاریک و فاسد حاکم و تاثیر گذار باشیم.

مطالعه امشب ما فقط در رابطه با نمک هست، جلسه آینده در مورد نور بررسی خواهیم کرد.

پس بیایید ببینیم این نمکی که مسیح ما مسیحیان را به آن تشبیه کرده چیست؟

قطعاً منظور مسیح، = با نمک بودنه یا سبزه بودن نیست! ☺

ارزش نمک

در گذشته نمک بخاطر خاصیت و استفاده های متنوعی که داشت، از ارزش زیادی برخوردار بود، بطوریکه نمک نزد یونانیان یک ماده الهی بود، و رومیان معتقد بودند که هیچ چیز به اندازه خورشید و نمک با ارزش نیست.

رومیان دستمزد سربازانشان را با نمک می پرداختند.

در دنیای شرق اصطلاح نمک کسی را خوردن نمایانگر دین شخص به طرف مقابل است.

نمک حتی در روابط و داد و ستد مردم ارزش والایی داشت. در گذشته حتی نمک نمادی از عهد دوستی بود.

دوم تواریخ ۵:۱۳ آیا نمی‌دانید که خداوند، خدای اسرائیل، پادشاهی اسرائیل را تا ابد به فرزندان داوود داده است و با ایشان با نمک پیمان بسته است. (ترجمه مژده)

در آن زمان دفتر ثبت احوال یا ثبت شرکت‌ها نبود. وقتی طرفین قرارداد می‌خواستند با هم عهدی ببندند در حضور شاهدین نمک می‌خوردند و با این عمل عهد آنان در حضور شاهدین ثبت می‌شد.

لاویان ۱۳:۲ همه هدایای آردی باید نمک‌دار باشند، زیرا نمک، یادگار پیمانی است که خداوند با شما بست، (پس به همه هدایای آردی، نمک بزنید). (ترجمه مژده)

با توجه به ارزشی که نمک در آن دوران داشت الان می‌توانیم بهتر مفهوم این را درک کنیم که وقتی مسیح به پیروانش می‌گفت شما نمک جهانید، برایشان چه ارزش والایی داشت.

علاوه بر ارزش نمک دانستن خصوصیات و ویژگی‌های نمک نیز می‌تواند به درک این موضوع کمک شایانی کند.

در اینجا به هفت ویژگی نمک اشاره می‌کنم.

هفت ویژگی و خاصیت نمک

(۱) رنگ سفیدش سمبل پاکی و قدوسیت است

برخی مفسرین و واعظین رنگ سفید نمک را به پاکی و قدوسیت تشبیه می‌کنند و می‌گویند که وقتی مسیح به پیروانش گفت که شما نمک جهانید اشاره او به پاکی و قدوسیت آنها در این دنیای گناه آلود بود و این مطلب را به آیه ۸ مربوط می‌کنند که عیسی فرمود خوشبحال پاکدلان.

بعبارتی مسیحیان باید در این دنیای گناه آلود و شریر، پاکدل و مقدس باشند تا بتواند بر آن تاثیرگذارند. این مطلب کاملاً درست است، اما نمک خواص دیگری هم دارد که بهتر است به آنها توجه داشته باشیم.

مثلاً علاوه بر رنگ و ظاهر سفیدش طعم نمک می‌باشد.

(۲) طعم نمک

بعضی از واعظین روی طعم نمک تاکید خاصی دارند، بطوریکه می‌گویند وقتی مسیح فرمود که شما نمک جهانید مفهومش این بود که شما به زندگی در این دنیای بی‌مفهوم و بی‌هدف، طعم و مفهوم خاصی می‌بخشید.

ایوب ۶:۶ آیا چیز بی‌مزه، بی‌نمک خورده‌می‌شود؟ (ترجمه کلاسیک)

عیسی مسیح جلوتر در در همین باب متی ۴۵:۵ می‌گوید که:

متی ۴۵:۵ خدا آفتاب خود را بر همه می‌تاباند، چه بر خوبان، چه بر بدان؛ باران خود را نیز بر نیکوکاران و ظالمان می‌باراند. (ترجمه تفسیری)

از این می‌تواند فهمید که اگر خدا اجازه داده جهان تا کنون باقی بماند و از نعمات الهی اش بهره‌مند باشد، اولاً بخاطر فرصتی است که به

مردم می دهد تا ایمان بیاورند و به خانواده الهی ملحق شوند و ثانیاً بخاطر وجود نمکین ایمانداران است.

اول قرن‌تین ۱۳:۷ اگر یک زن مسیحی شوهری غیر مسیحی دارد، و شوهرش از او می خواهد که با او زندگی کند، آن زن نباید از شوهرش جدا شود. زیرا زن یا شوهر مسیحی با خود قدوسیت را وارد ازدواج خود می کند، در غیر اینصورت فرزندان ایشان ناپاک محسوب می شدند، اما بطوری که می بینیم ، ایشان مقدس بشمار می آیند. (ترجمه تفسیری)

در سرگذشت طوفان نوح، خدا جهان را بخاطر ۸ نفر از نابودی نجات داد.

امروزه هم خدا بخاطر فرزندانش است که دنیا را از لعنت و نابودی حفظ کرده است.

کلام خدا می گوید وقتی انتهای همه چیز فرا برسد، همه چیز از بین خواهد رفت و خدا آسمان و زمینی جدید می آفریند تا برای همیشه با فرزندان در آنجا بسر برد.

بعضی از واعظین علاوه بر رنگ سفید و طعم نمک، از سوزش آن که برای ضد عفونی کردن و درمان زخم بکار گرفته می شود، استفاده می کنند.

۳) سوزش نمک

کتاب مقدس به این خاصیت نمک اشاره کرده. وقتی خداوند داشت از زبان حزقیال نبی در رابطه با ناپاکی شهر اوشلیم نبوت می کرد این تمثیل رو بکار برد.

حزقیال ۴:۱۶ در روز تولد، ناف را نبریدند و با آب شسته نشدی تا پاک شوی و به تو نمک نمالیدند و تو را در پارچه نیچیدند.
(ترجمه مؤده)

حضور مسیحیان در بین گناهکاران این دنیا باید الزام آور باشد.

به این مفهوم که وقتی انسان گناهکار به زندگی یک مسیحی نگاه می کند باید از گناهان و سبک زندگی گناه آلودش شرمند شود.

غیر مسیحیان با مشاهده استاندارد والای رفتاری و روش زندگی روزمره مسیحی یان، باید به فاصله زیادی که از خدا گرفتند پی ببرند.

دوم قرن‌تین ۱۵:۲-۱۶ و از آنجا که مسیح در زندگی ما حضور دارد، ما برای خدا عطری خوشبو هستیم، عطری که بوی آن به مشام همه می رسد، چه گناهکار و چه نجات یافته. برای آنانی که در راه گناه گام برمی دارند و بسوی هلاکت می روند، ما بوی هراس انگیز محکومیت و مرگ هستیم؛ اما برای آنانی که در طریق نجات گام برمی دارند، عطری هستیم که به همه چیز طراوت و حیات تازه می بخشد. اما چه کسی قابلیت و توانایی آن را دارد که به این صورت، انجیل را موعظه کند؟ (ترجمه تفسیری)

به عبارت دیگر ما برای مسیحیان عسل و رایحه خوب می باشیم اما برای غیر مسیحیان شوری نمک.

متأسفانه بسیاری از مسیحیان به این حقیقت واقف نیستند و به همین دلیل سعی می کنند با سازش کردن با معیارهای این دنیا دوستان و خانواده های غیر مسیحیان را راضی نگه دارند و برای آنان عسل باشند.

بعضی از دختران و پسرانی که در کلیسا بدون ازدواج، مثل زن و شوهر با هم زندگی می کنند *(البته منظورم هم خانه بودن نیست)*، باید بدانند که این عمل کتاب مقدسی نیست.

روابط نامشروع خارج از ازدواج از لحاظ کتاب مقدس زنا محسوب می شود.

افرادی که در کلیسا رفتار و اسارت گناه آلود دارند، باید با روش صحیح و درست اصلاح گردند، در غیر اینصورت کلیسا رشد نخواهد کرد.

در این گونه شرایط باید خدا را بخاطر تشبیه ما به نمک شکر کنیم.

علاوه بر این، نمک می تواند کاربرد مُخرَب داشته باشد.

۵) نمک تخریب می کند

در داوران ۴۵:۹ چنین می خوانیم:

داوران ۴۵:۹ ایملک تمام آن روز جنگ کرد تا اینکه شهر را به تصرف خود درآورد. ... شهر را ویران کردند و در آن نمک پاشیدند.
(ترجمه مژده)

ایملک برای مجازات مردم، زمینهایشان را با نمک از بین می برد. بدینصورت نمک سمبل مجازات خدا نیز محسوب می شد.

پس وقتی مسیح به شاگردانش می گوید که شما نمک جهانید می توانست این مفهوم را نیز در بر داشته باشد که پیام شما برای مردمی که به من ایمان نمی آورند، مثل نمکی که تخریب کننده زمین است، مجازات به همراه دارد.

خاصیت دیگر نمک، ایجاد تشنگی است.

۶) نمک عطش ایجاد می کند

بعضی از نویسندگان می گویند که خاصیت اصلی نمک ایجاد تشنگی است. آنها می گویند که وجود نمک در بدن بخاطر این است که در شخص ایجاد تشنگی کند تا آب بنوشد و زنده بماند.

به همین دلیل است که در تمرینات سخت تابستان به ورزشکاران قرص های نمک می دهند تا عطش و تشنگی آنها را زیاد کند و باعث شود تا بیشتر آب بنوشند.

این نکته ما را بیاد چهارمین خوشبحال می اندازد که عیسی مسیح خطاب به آنان می گوید:

متی ۶:۵ خوشبحال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا ایشان سیر خواهند شد. (ترجمه کلاسیک)

خدا کسانی را که تشنه او هستند سیراب خواهد کرد.

وظیفه کلیسا در این عصر این است که این تشنگی را در دل غیر مسیحیان ایجاد کند.

آخرین خاصیت نمک، این است که از فاسد شدن مواد جلوگیری می کند.

۷) نمک مواد را از فاسد شدن محافظت می کند

در گذشته برای اینکه مواد غذایی مثل گوشت فاسد نشود به آن نمک میزدند.

در پیدایش ۱۸ وقتی خدا تصمیم گرفته بود که شهر سدوم و گومارا را نابود کند، ابراهیم در آیه ۲۳ به خداوند می گوید:

پیدایش ۲۳:۱۸-۲۴ خداوند، آیا درستکاران را با بدکاران با هم هلاک می‌کند؟ شاید پنجاه آدم درستکار در آن شهر باشند. آیا بخاطر آنها، از نابود کردن آنجا صرفنظر نخواهی کرد؟ (ترجمه تفسیری)

خداوند می‌گوید بخاطر ۵۰ نفر صرف نظر خواهد کرد، بعد ابراهیم تا ۱۰ نفر آنرا کاهش می‌دهد و خدا در نهایت می‌گوید که حتی بخاطر ۱۰ نفر هم اینکار را نخواهد کرد. عبارتی وجود ۱۰ نفر شخص ایماندار کافی بود که خدا از نابودی یک شهر صرف نظر کند.

همانطور که در گذشته مردم و شهرها بخاطر شفاعت و مداخله مردان و زنان خدا از هلاکت نجات می‌یافتند، امروزه نیز هر کدام از ما مسیحیان می‌توانیم بسیاری را از بدبختی و هلاکت نجات دهیم.

باید توجه داشته باشید که حضور مسیحیان در دنیا باعث شده که خشم و غضب خدا بر جهان ریخته نشود.

کلیسای ما خوانده شده تا در این دنیا نمک باشد. حضور ما در این دنیا، شهادتی است، بی سر و صدا از قدرت خدا. به نظر شما از اینکه خدا از چنین مسئله کوچکی، یعنی حضور کلیسا، چنین استفاده عظیمی میکند، شگفت انگیز نیست؟

در گذشته نیز خدا از چیزهای به نظر کوچک، استفاده بسیار برد. بعنوان مثال:

خدا در باغ عدن برای خلق کردن آدم از نقره یا طلا استفاده نکرد، بلکه او را از خاک زمین بسرشت.

همچنین خدا وقتی از داود برای پیروزی در نبرد با جلیات استفاده کرد او را با یک شمشیر بُرنده از بین نبرد، بلکه با استفاده از فلاخن و چند تکه سنگ.

عیسی مسیح نیز وقتی به دنیای ما پا گذاشت از طریق یک خانواده سرشناس در یک شهر بزرگ که در قصر زندگی می‌کردند، استفاده نکرد.

بهمین طور خدا از من و شما دعوت می‌کند تا مثل نمک که یک وسیله بظاهر کم ارزش هست در جهان تاثیر گذار باشیم.

خدا می‌خواهد که از طریق من و شما بر این دنیا تاثیر بگذارد.

سوال این است که من و شما بعنوان یک مسیحی چه تاثیری بر دنیا می‌گذاریم؟

- آیا زندگی مان مثل سفیدی نمک پاک و بی آرایش هست؟

- آیا مردم از زندگی ما یک طعم دوستی و مهربانی می‌گیرند؟

- آیا حضور ما باعث آشکار شدن حقایق و ملزم کردن مردم به گناهانشان هست؟

- آیا باعث ایجاد تشنگی روحانی در زندگی دوستانمان می‌شویم؟

- آیا وجود ما مثل یک صد از ورود گناه و فساد به زندگی مردم جلوگیری می‌کند؟

می‌خواهم با معرفی یک شخصیت برجسته، سخن امروز رو خاتمه بدم. یک نویسنده مسیحی می‌گوید هنگامیکه من در یک بیداری روحانی در شهر Glasgow اسکاتلند به مسیح ایمان آوردم، دختر جوانی بنام Helen Ewing نیز عیسی مسیح را بعنوان خداوند و نجات دهنده شخصی اش پذیرفت و به او ایمان آورد. او دختر بسیار نحیفی بود، اما از همان ابتدای زندگی تازه مسیحی اش پر از روح خدا بود و نهرهای آب زنده از وجودش فوران می‌کرد. اگر چه در سن ۲۲ سالگی نزد خداوند رفت اما تمام مردم اسکاتلند برایش

گریستند. نویسنده می گوید که من صدها میسیونر مسیح را در سراسر دنیا می شناسم که برای فوت او گریستند و عزاداری کردند.

این دختر جوان زبان روسی را بخوبی آموخته بود و می دانست که در اروپا زحمات زیادی بخاطر ایمانش در انتظارش است. او هیچ گاه موفق به نوشتن کتابی نشد، هیچ سرودی را نسْرائید. او هیچگاه موعظه نکرد، فاصله زیادی از منزلش به مسافرت نرفت. هنگامی که فوت کرد مردم درباره سرگذشت زندگی اش مطالبی نوشتند. اگر چه جوان بود اما عده بسیاری را به ایمان مسیحی دعوت کرد. او عادت داشت که هر روز صبح ساعت ۵ از خواب بر میخواست و به مطالعه کتاب مقدس و دعا می پرداخت. او برای صدها میسیونر دعا می کرد. مادرش یکی از دفاتر خاطراتش را بمن نشان داد. در آنجا نام حداقل ۳۰۰ میسیونر را دیدم که برایشان هر روز دعا می کرد.

این نشان می دهد که خدا در دلش یک خدمت عظیمی از دعا گذاشته بود. او تاریخ تقاضاهای دعا و پاسخ خدا به آن دعاها را برای هر کدام ثبت کرده بود. زندگی پر از دعای Helen Ewing, خدا و مردم را به جنب و جوش آورده بود.

موضوع جلسه آینده: شما نور عالمید (متی ۵:۱۴-۱۶)